

اعمال و فضایل نیمه شعبان

در روایاتی که از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده فضیلت‌های بسیاری برای عبادت و راز نیاز در شب و روز خجسته نیمه شعبان بر شمرده شده است و این خود تمثیل زیبایی است از این موضوع که برای رسیدن به صبح وصال موعود باید شب وصل با خدا را پشت‌سر گذاشت، و تا زمانی که منتظر، عمرخویش را در طریق کسب صلاح طی نکنند نمی‌تواند شاهد ظهور مصلح موعود باشد.

با توجه به اهمیت فراوانی که در روایات به شب نیمه شعبان داده شده و حتی آن را هم‌پایه شب قدر شمرده‌اند، در این مجال برخی از روایت‌هایی را که در بیان مقام و منزلت این شب روحانی وارد شده‌اند مورد بررسی قرار می‌دهیم. باشد تا خداوند ما را به عظمت این شب مقدس واقف گرداند و توفیق بهره‌برداری از برکات آن را عطا فرماید.

۱. از پیامبر گرامی اسلام ۷ نقل شده است:

«شب نیمه شعبان در خواب بودم که جبرئیل به بالین من آمد و

گفت: ای محمد! چگونه در این شب خوابیده‌ای؟ پرسیدم: ای جبرئیل! مگر امشب چه شبی است؟ گفت: شب نیمه شعبان است. برخیز ای محمد! پس مرا از جایم بلند کرد و به سوی بقیع برد، در آن حال گفت: سرت را بلند کن! امشب درهای آسمان گشوده می‌شوند، درهای رحمت‌باز می‌گردند و همه درهای خوشنودی، آمرزش، بخشش، بازگشت، روزی، نیکی و بخشایش نیز گشوده می‌شوند. خداوند در این شب به تعداد موهای چارپایان [بندگانش را از آتش جهنم] آزاد می‌کند. ای محمد! هر کس امشب را با منزه داشتن خداوند (تسبیح)، ذکر یگانگی او (تهلیل)، یاد بزرگی او (تکبیر)، راز و نیاز با او (دعا)، نماز، خواندن قرآن، نمازهای مستحب (تطوع) و آمرزش خواهی (استغفار) صبح کند، بهشت جایگاه و منزل او خواهد بود و خداوند همه آنچه را که پیش از این انجام داده و یا بعد از این انجام می‌دهد، خواهد بخشید...»^(۱)

۲. یکی از همسران پیامبر اکرم ۷ حالات ایشان را در شب نیمه شعبان چنین بیان می‌کند:

«در یکی از شبها که پیامبر خدا ۷ را دیدم که حضرت مانند جامه‌ای که بر زمین افتاده باشد به سجده رفته و چنین راز و نیاز می‌کند:

«اصبحت اليك فقيراً خائفاً مستجيراً فلا تبدل اسمي و لا تغير

جسمي و لا تجهد بلائي و اغفرلي»

(به سوی تو آمدم در حالی که تهیدست، ترسان و پناه جویم، پس نام مرا بر نگردان، جسم مرا تغییر مده، گرفتاریم را افزون مساز و از من در گذر.)

آنگاه سر خود را بلند کرد و بار دیگر به سجده رفت و در آن حال شنیدم که می‌فرمود:

«سجد لك سوادى و خيالى و امن بك فوادى هذه يدائى بما جنيت

على نفسى يا عظيم ترجى لكل عظيم اغفرلى ذنبى العظيم

فانه لا يغفر العظيم الا العظيم»

سراپای وجودم برای تو سجده کرده و قلبم به تو ایمان آورده است؛ این دو دست من با همه جنابیتی که برخورد روا داشته‌ام، پس ای بزرگی که برای هر کار بزرگی امیدها به سوی تو است؛ از گناهان بزرگ من در گذر، چرا که از گناهان بزرگ در نمی‌گذرد مگر پروردگار بزرگ.

بعد از ادای این کلمات سر خود را بلند کرده و برای سومین بار به سجده رفت و این جملات را بر زبان جاری ساخت:

«اعوذ برضاك من سخطك و اعوذ بمعافاتك من عقوبتك و اعوذ

بك منك انت كما اثنت على نفسك و فوق ما يقول القائلون»

از خشم تو به خوشنودیت پناه می‌برم، از کیفر تو به بخشش‌ات پناهنده می‌شوم و از تو به سوی خودت پناه می‌جویم، تو همان گونه‌ای که خود توصیف کرده‌ای و بالاتر از آنی که گویندگان می‌گویند.

لحظاتی دیگر سر از سجده برداشت و دوباره به سجده رفت در حالی که می‌فرمود:

«اللهم انى اعوذ بنور وجهك الذى اشرقت له السموات و الارض و

قشعت به الظلمات و صلح به امرالاولين و الاخرين ان يحل على

غضبك او ينزل على سخطك اعوذبك من زوال نعمتك و فجاة

نعمتك و تحويل عافيتك و جميع سخطك لك العتبي فيما استطعت

و لاحول و لا قوة الا بك»

خدایا! به نور وجه تو که آسمانها و زمین از آن روشن شده، تاریکیها با آن از بین رفته و کار پیشینیان و آیندگان با آن اصلاح شده‌است پناه می‌برم، از اینکه به خشم تو گرفتار شوم و یا دشمنی تو بر من نازل شود. پناه می‌برم

به تو از زوال نعمت، نزول ناگهانی عذاب، دگرگونی سلامتی‌ات و همه آنچه که خشم تو را در پی دارد. خوشنودی نسبت به آنچه من در توان دارم از آن تو است و هیچ حرکت و نیرویی نیست مگر به سبب تو.

چون این حال را از پیامبر V دیدم او را رها کردم و شتابان به طرف خانه حرکت کردم. نفس نفس زنان به خانه رسیدم. وقتی پیامبر V به خانه برگشتند و حال مرا دیدند گفتند: چه شده است که اینچنین به نفس افتاده‌ای؟

گفتم: ای رسول خدا! من به دنبال شما آمده بودم. پس پیامبر V فرمود:

آیا می‌دانی امشب چه شبی است؟! امشب شب نیمه شعبان است، در این شب اعمال ثبت می‌گردند، روزی‌ها قسمت می‌شوند، زمان‌های مرگ نوشته می‌شوند و خداوند تعالی همه را می‌بخشد، مگر آنکه به خدا شرک ورزیده، یا به قمار نشسته است، یا قطع رحم کرده، یا بر خوردن شراب مداومت ورزیده، یا برانجام گناه اصرار ورزیده است...»^(۲)

پرسی که با مطالعه روایت بالا به ذهن خطور می‌کند این است که چرا با اینکه در بسیاری از روایات تصریح شده که تعیین زمان مرگ مردمان و تقسیم روزی آنها در شب قدر و در ماه مبارک رمضان صورت می‌گیرد، در روایت یاد شده شب نیمه شعبان به عنوان زمان تقدیر امور مزبور ذکر شده است؟

مرحوم سید بن طاووس^(۱) در پاسخ این پرسش می‌گوید:

«این احتمال هم وجود دارد که تعیین و تقسیم امور یاد شده در شب قدر و شب نیمه شعبان صورت گیرد، به این معنا که در شب نیمه شعبان وعده به تعیین و تقسیم امور مزبور در شب قدر داده می‌شود. به عبارت دیگر اموری که در شب قدر تعیین و تقسیم می‌گردند، در شب نیمه شعبان به آنها وعده داده می‌شود. همچنان که اگر پادشاهی در شب نیمه شعبان به شخصی وعده دهد که در شب قدر مالی را به او می‌بخشد، در مورد هر دو شب این تعبیر صحیح خواهد بود که بگوییم مال در آن شب از آن شخص، چنین بخشیده شده است.»^(۳)

اعمال و دعای مخصوص شب نیمه شعبان

۳. کمیل بن زیاد^(۳) از یاران امام علی A چنین روایت می کند که: در مسجد بصره در نزد مولایم امیرالمؤمنین A نشسته بودم و گروهی از یاران آن حضرت نیز حضور داشتند، در این میان یکی از ایشان پرسید: معنای این سخن خداوند که: «فیها یفرق کل امر حکیم»^(۴) (در آن شب هر امری با حکمت معین و ممتاز می گردد) چیست؟ حضرت A فرمودند:

«قسم به کسی که جان علی در دست اوست همه امور نیک و بدی که بر بندگان جاری می شود، از شب نیمه شعبان تا پایان سال، در این شب تقسیم می شود. هیچ بنده ای نیست که این شب را احیاء دارد و در آن دعای خضر بخواند، مگر آنکه دعای او اجابت شود.»

پس از آنکه امام از ما جدا شد، شبانه به منزلش رفتم. امام A پرسید: چه شده است ای کمیل؟ گفتم: ای امیرمؤمنان! آمده ام تا

«دعای خضر» را به من بیاموزی. حضرت A فرمود:

بنشین ای کمیل! هنگامی که این دعا را حفظ کردی خدا را در هر شب جمعه، یا در هر ماه یک شب، یا یک بار در سال یا حداقل یک بار در طول عمرت، با آن بخوان، که خدا تو را یاری و کفایت می کند و تو را روزی می دهد، و از آموزش او برخوردار می شوی، ای کمیل! به خاطر زمان طولانی که تو با ما همراه بوده ای بر ما لازم است که درخواست تو را به بهترین شکل پاسخ دهیم، آنگاه دعا را چنین انشاء فرمود...»^(۵)

شایان ذکر است که این «دعای خضر» همان دعایی است که امروزه آن را با نام «دعای کمیل» می شناسیم.

۴. امیرمؤمنان حضرت علی A در روایتی دیگر در فضیلت شب نیمه شعبان چنین می فرماید:

«در شگفتم از کسی که چهار شب از سال را به بیهودگی بگذراند: شب عید فطر، شب عید قربان، شب نیمه شعبان و اولین شب از ماه رجب»^(۶)

۵. از امام صادق A روایت شده که پدر بزرگوارشان در پاسخ کسی که از فضیلت شب نیمه شعبان از ایشان پرسیده بود فرمودند:

«این شب برترین شبها بعد از شب قدر است، خداوند در این شب فضلش را بر بندگان جاری می‌سازد و از منت خویش گناهان آنان را می‌بخشد، پس تلاش کنید که در این شب به خدا نزدیک شوید. همانا این شب، شبی است که خداوند به وجود خود سوگند یاد کرده که در آن درخواست کننده‌ای را، مادام که درخواست گناه نداشته باشد، از درگاه خود نراند. این شب، شبی است که خداوند آن را برای ما خاندان قرار داده است، همچنان که شب قدر را برای پیامبر ما قرار داده است. پس بر دعا و ثنای بر خداوند تعالی بکوشید، که هر کس در این شب صد مرتبه خداوند را تسبیح گوید، صد مرتبه حمدش را بر زبان جاری سازد، صد مرتبه زبان به تکبیرش گشاید و صد مرتبه ذکر یگانگی (لااله الاالله) او را به زبان آورد، خداوند از سر فضل و احسانی که بر بندگان دارد، همه گناهیانی را که او انجام داده بیمارزد و درخواست‌های دنیوی و اخروی او را برآورده سازد، چه درخواست‌هایی که بر خداوند اظهار کرده و چه

درخواست‌هایی که اظهار نکرده و خداوند با علم خود بر آنها واقف است و ...»^(۷)

﴿ میلاد پربرکت حضرت ولی عصر، امام زمان A ﴾

شرافت این شب خجسته، علاوه بر همه آنچه که بیان شد، به اعتبار مولود مبارکی است که در این شب قدم به عرصه خاک نهاده است. وجود مقدسی که سالها پیش از تولدش مژده میلاد او به مسلمانان داده شده بود و شاید همه عظمت این شب و تکریم و بزرگداشتی که در کلمات معصومین Δ از آن شده است به خاطر وجود همین مولود مبارک باشد. چنانکه بزرگانی چون سیدبن طاووس به این موضوع اشاره کرده و بر همگان لازم دانسته‌اند که در این شب خدای خویش را به سبب منت بزرگی که با میلاد امام عصر A بر آنها نهاده سپاس گویند و تا آنجا که در توان دارند شکر این نعمت الهی را به جای آورند.^(۸)

در یکی از دعاهایی که در شب نیمه شعبان وارد شده است چنین می‌خوانیم:

«اللهم بحق ليلتنا هذه و مولودها و حجتك و موعودها التي قرنت الي
فضلها فضلا فتمت كلمتك صدقا و عدلا لا مبدل لكلماتك ...» (۱۰)

بار خدایا تو را می‌خوانیم به حق این شب و مولود آن، و به حق حجت و موعود این شب، که فضیلتی دیگر بر فضیلت آن افزودی و سخن تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسیده و هیچ کس را یارای تبدیل و تغییر سخنان تو نیست.

مطابق روایات بسیاری که شیعه و اهل سنت آنها را نقل کرده‌اند میلاد خجسته امام عصرA در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ ق واقع شده و باعث مزید فضیلت این شب مبارک گشته است.^(۱۱)

در پایان به عنوان حسن ختام گزارشی را از شب میلاد امام عصرA به نقل از حکیمه خاتونB دختر بزرگوار امام جوادA و عمه بزرگوار امام حسن عسکریA نقل می‌کنیم، ایشان می‌فرماید:

«ابو محمد حسن بن علیA به دنبال من فرستاد و فرمود: ای عمه! امشب روزها را با ما افطار کن، زیرا امشب شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب آن حجتی را که حجت او در زمین است آشکار می‌سازد. پرسیدم: مادر او کیست؟ فرمود: نرجس، عرض کردم: خدا مرا فدای شما گرداند، به خدا قسم در او هیچ اثری از حاملگی نیست! فرمود: موضوع این چنین است که می‌گویم، حکیمه

خاتون ادامه می‌دهد: من [به خانه امام عسکریA] در آمدم، پس از آنکه سلام کردم و نشستم نرجس پیش من آمد و در حالی که کفشهای مرا از پایم بیرون می‌آورد گفت: ای بانوی من چگونه شب کردی؟ گفتم: بلکه تو بانوی من و بانوی خاندان منی. سخن مرا انکار کرد و گفت: چه شده است عمه؟ به او گفتم: دختر جان خداوند تبارک و تعالی در همین شب به تو فرزند پسری عطا می‌کند که سرور دنیا و آخرت خواهد بود. نرجس از حیا در جای خود نشست. وقتی از نماز عشاء فارغ شدم و افطار کردم، به بستر رفتم و خوابیدم، در نیمه‌های شب برای نماز برخاستم، نمازم را تمام کردم، در حالی که هنوز نرجس خوابیده بود و اثری از زایمان در او نبود. تعقیب نماز را به جای آوردم و خوابیدم، اما لحظاتی بعد وحشت زده از خواب بیدار شدم. که در این موقع نرجس هم برخاست و به نماز ایستاد.

حکیمه می‌گوید: در همین حال شک و تردید به سراغ من آمد، اما ناگهان ابو محمد [امام حسن عسکریA] از همان جا که نشسته بود ندا برآورد: ای عمه! شتاب مکن که آن امر نزدیک شده‌است.

حکیمه ادامه می‌دهد: در حال خواندن سوره‌های سجده و یس بودم که نرجس با اضطراب از خواب بیدار شد، من با شتاب پیش او رفتم و گفتم: نام خدا بر تو باد، آیا چیزی احساس کردی؟ گفتم: بله، عمه جان. به او گفتم: بر خودت مسلط باش و آرامشت را حفظ کن، که این همان است که به تو گفتم. حکیمه ادامه می‌دهد: دقایقی کوتاه خواب به سراغ من آمد و در همین موقع بود که حالت زایمان به نرجس دست داد و من به سبب حرکت نوزاد بیدار شدم، جامه را از روی او کنار زدم و دیدم که او اعضای سجده را به زمین گذاشته و در حال سجده است، او را در آغوش گرفتم و با تعجب دیدم که او کاملاً پاکیزه است و از آثار ولادت چیزی بر او نمانده است. در این هنگام ابو محمد [امام حسن عسکری A] ندا برآورد که: ای عمه! پسر من نزد من بیاور. نوزاد را به سوی او بردم، آن حضرت دستانش را زیر رانها و کمر او قرار داد و پاهای او را بر سینه خود گذاشت، آنگاه زبانش را در دهان او کرد و دستانش را بر چشمها و گوشها و مفاصل او کشید و بعد از آن گفت: پسر من! سخن بگو و آن نوزاد زبان گشود و گفت: شهادت

می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا نیست و هیچ شریکی برای او وجود ندارد و شهادت می‌دهم که محمد V فرستاده خداست. آنگاه بر امیر مؤمنان A و سایر امامان Δ درود فرستاد تا به نام پدرش رسید...» (۱۲)

امیدواریم که خداوند به برکت مولود با عظمت شب نیمه شعبان، به همه ما توفیق درک فضیلت‌های این شب خجسته را عطا فرماید و همه ما را از زمره یاوران و خدمتگزاران آن حضرت قرار دهد.

پی‌نوشتها:

۱. اقبال‌الاعمال، ص ۲۱۲- بحارالانوار، ج ۹۸، ص ۴۱۳.
۲. اقبال‌الاعمال، صص ۲۱۷-۲۱۶. ۳. همان، ص ۲۱۴.
۴. سوره دخان (۴۴) آیه ۴. ۵. اقبال‌الاعمال، ص ۲۲۰.
۶. بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۸۷، ح ۱۲. ۷. همان، ج ۹۴.
۸. اقبال‌الاعمال، صص ۲۳۷-۲۰۷. ۹. همان، ص ۲۱۹.
۱۰. الکافی، ج ۱، ص ۵۱۴؛ کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۳۲.
۱۱. کمال‌الدین و تمام‌النعمة، ج ۲، ص ۴۲۴، ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲.

(برگرفته از مقاله: ابراهیم شفیعی سروسنایی)